

نقش خدا در حیات بشر با تأکید بر وضعیت کرونایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵ تاریخ تلخیص: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

محمدصفر جبرئیلی*

چکیده

نقش و حضور خداوند در جهان و چگونگی دخالت او در نظام هستی از جمله حیات بشری از مباحث دیرین و مورد اختلاف خداپاوران است. شیوع ویروس کورونا (کوید-۱۹) در ایران و جهان، رشد و افزایش حجمه‌های معاندان و شبیهات شبه‌افکنان و مخالفان نسبت به مبانی اعتقادی و مقدسات ادیان از جمله نقش «خداوند متعال»، و همین‌طور پرسش‌های موحدان و مؤمنان و توسلات و توجهات آنها به سوی او، موجب طرح بیشتر این بحث شد. در همین راستا پروژه‌هایی مانند پروژه «فعل الهی» و «چگونگی فاعلیت خداوند و مداخله‌گری او در حوادث جهان» بیش از پیش مورد توجه الهی‌دانان قرار گرفت و پاسخ‌های متنوع و مناسب و بعضاً ضعیف و بی‌مبنا ارائه شد. شبیه‌ها و پرسش‌های مطرح‌شده در موضوع «خدا» را می‌توان در چهار محور

* استادیار گروه کلام اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ms.۱۳۴۶@yahoo.com

کدام خدا؟ خدا کجاست؟ خدا و شر، خدا و دعا تجمیع کرد. این نوشتار
درصد برداختن به دو محور اول است.

واژگان کلیدی: خدا باوری، نقش خدا، حیات بشر، الهیات گشوده، کرونا.

مقدمه

برخی نقش خدا را فقط تأمین سعادت اخروی بشر می‌دانند که البته در دنیا هم می‌توان با او راز و نیاز و عشق‌بازی کرد. «پیغمبران برانگیخته و فرستاده خدا برای انسان‌ها هستند عمل و رسالتشان در دو چیز خلاصه می‌شود: الف) انقلاب عظیم فراگیر علیه خودمحوری انسان‌ها برای سوق دادن آنها به سوی آفریدگار جهان، ب) اعلام دنیای آینده جاودان بی‌نهایت بزرگتر از دنیای فعلی» (ر.ک: بازرگان، ۱۳۸۸، ص ۲۹۳ / عبدالکریم سروش، مصاحبه). برخی نیز همه چیز را برعهده خدا می‌گذارند و توقع دارند که او باید همه خرابی‌ها را درست کند و مشکلات را برطرف نماید. در مقابل، نظر صحیح که مورد پذیرش بسیاری از الهی‌دانان است، فاعلیت خداوند و مسئولیت بشر را توأمان می‌داند. نظام هستی و از جمله بشر، عمل و فعل خداست. پس باید بشر بتواند به اذن و قدرت خدا و با تلاش و همت خود، نسبت به رخدادهای پیش‌آمده در نظام هستی در مقابل هر کنشی، واکنش‌های مناسب نشان دهد تا به حذف، تغییر یا اصلاح آن توفیق یابد. مسئولیت و نقش انسان در نظام هستی که در نصوص دینی از آن به

«محوریت انسان»^۱ یاد شده است، موجب شده تا تمام این چرخ و فلک آفرینش بر محور وجود او بچرخد (لقمان: ۲۰) و در نظام تشریح، محور تمامی تکالیف باشد (شوری: ۱۳).

۱۰۱
نقش خدا در زندگی انسان با تأکید بر وضعیت کرونایی

بنابراین ضمن تأکید بر نقش خداوند و تبیین آن (که در ادامه از آن سخن گفته می‌شود) نباید از نقش و مسئولیت انسان غفلت کرد «بنا نیست خدا به جای انسان انجام وظیفه بکند» (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۸۹). به طور قطع انسان در سه حوزه شخصی، اجتماعی و تا حدی جهانی مسئولیت دارد (ایزوتسو، ۱۳۷۳، ص ۹۱-۹۲). او هم در آبادی زمین مسئول است «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) و هم در خرابی آن نقش دارد: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱).

از طرف دیگر خداوند به عنوان علت‌العلل نظام هستی به همه چیز علم مطلق و بی‌کران دارد و در همه هستی و در همیشه آنات و لحظات، اراده و حضور مستمری دارد. او بر همه چیز و همه حوادث از گذشته، حال و آینده واقف است و هیچ چیزی از اندک و بسیار و از آشکار و پنهان بر او پوشیده نیست «وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ

۱. محوریت انسان با جهان‌بینی قرآنی که از لحاظ وجودشناختی «خدا‌مرکزی» است منافات ندارد. خدا در مرکز جهان هستی قرار دارد و همه چیز اعم از انسان و غیرانسان در سلسله‌مراتب هستی بی‌نهایت پایین‌تر از او قرار دارند اما در مرحله پایین‌تر از خدا انسان، محور است و همه چیز در خدمت انسان و برای انسان آفریده شده است و این برخلاف جهان‌بینی جاهلیت است که «انسان‌مرکزی» است (ایزوتسو، ۱۳۷۳، ص ۹۱-۹۲).

عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (یونس: ۶۱/ سبأ: ۳) و کار آفرینش را هرگز وانهاده و به غیر خودش تفویض نکرده است^۱ و هر روز و هر آن در کاری نو و جدید است (الرحمن: ۲۹).

در نقد و ردّ قول برخی یهودیان که می‌گفتند «خدا از کار آفرینش فارغ شده و چیزی بر عالم افزوده نمی‌شود و چیزی از آن کم نمی‌گردد دست خدا از هرگونه تصرفی بسته شده است»^۲، فرمود: «آنها خود دست بسته‌اند. دست خداوند باز است و هر کاری که می‌خواهد انجام می‌دهد» (مائده: ۶۴). آیات و روایات متعددی مدعای گروهی از مسلمانان را که برای فرار از جبرگرایی و تثبیت عدل الهی معتقد شدند خدا بعد از آفرینش، همه امور انسان را به خودش واگذار کرده است و خود در این امور دخالت نمی‌کند (ر.ک: قاضی عبدالجبار معتزلی، ج ۱۳، ص ۴۱/ سبحانی، ۱۴۳۴،

۱. تفویض چه در مقابل جبر که برخی مسلمانان بدان معتقدند و چه در مقابل ربوبیت مستمر الهی که یهودیان می‌گفتند [به هر دو معنا] باطل است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۱۰۱-۱۰۲).

۲. در هولوکاست وقتی که هیتلریان، یهودیان را می‌سوزاندند و می‌کشتند، این سؤال پیش آمد که خدا کجا بود؟ اتفاقاً این سؤال در یهودیت تأثیر بسیار داشت؛ به گونه‌ای که تفسیرهای عجیب و ناپذیرفتنی از خدا به میان آمد. یکی از الهی‌دانان یهودی صریحاً نوشت که خداوند در اثر خلقت جهان و آدمیان انرژی خود را از دست داده بود و لذا وقتی که هولوکاست رخ می‌داد، خداوند ناتوان‌تر از آن بود که دخالت کند و مانع از سوزاندن یهودیان بشود (بخشی از مصاحبه آقای سروش).

ص ۲۰۳-۲۰۴) را باطل و مردود اعلام می‌دارد (ر.ک: همان ص ۲۰۶-۲۰۷).

افزون بر آن انسان می‌تواند با اقدامات پیشینی و پسینی در عرصه‌های مختلف و با کمک وسائط مادی و معنوی، سرنوشت خود و بخشی از اداره نظام تکوین را در دست گرفته و آن را تغییر دهد.

۱. کدام خدا

مسائل جدید کلامی و پیش‌آمدهای طبیعی موجب شده تا اندیشمندان برای فهم و درک خدا و نقش او در جهان هستی و حیات بشری، دیدگاه‌های متفاوتی در قالب و عناوین متعدد الهیاتی ارائه دهند. در روزگار ما و در مقابل تفسیر خدای «شخص‌وار» ادیان توحیدی، تفسیرها و برداشت‌های متعدد و متنوعی از خدا و خداباوری مانند «دئیستی»، «تئیستی»، «پانئئیستی»، «پویشی» و «گشوده» عرضه شده است. برخی محققان آنها را در سه دسته کلاسیک، اگزیستانسیالیست و پویشی تقسیم کرده‌اند (ر.ک: باربور، ۱۳۹۴، فصل ۱۳، صص ۴۴۹ و ۴۹۰/ الیاده، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۱۲۷ و ۱۸۰).

در ادیان الهی خدای «شخصی» یا «شخص‌وار» خدایی است که به عنوان یک موجود مشخص و فرد خاص و متمایز مطرح است (سوره توحید: ۱-۵). این خدا یک موجود نامشخص و وجود بحت و پخش در طبیعت و برآیند نیروها و مجموعه قانون‌ها نیست. انسان‌ها علی‌رغم

تفاوت‌ها و توانایی‌هایشان می‌توانند او را بشناسند و حتی با او ارتباط کلامی برقرار کرده و با او هم‌سخن شوند (شوری: ۱۱۳ / اعراف: ۱۴۳ / یوسف: ۵۴)؛ در عین حال در مکتب اهل بیت^ع با خدای «انسان‌وار» مورد نظر برخی مکاتب فکری دیگر که با انسان کشتی می‌گیرد و یا دارای دست و پا و ساق و... است، متفاوت است.

در الهیات گشوده (Open Theology) نگاه جدیدی به برخی صفات خدا وجود دارد. آنان به جای صفاتی که در الهیات کلاسیک برای خدا گفته شده است، از صفاتی چون عشق الهی سخن می‌گویند و بر این عقیده‌اند که خدا مشتاق است که انسان، آزادانه با او رابطه فردی عاشقانه و پویا داشته باشد؛ بنابراین این امکان برای بشر وجود دارد است که مطابق خواست خدا یا برخلاف خواست او، دست به انتخاب بزند. به نظر آنان خدایی که مشیت و خواست خود را بر بشر تحمیل کند، خدای عشق نیست. بر اساس این تصور، آینده برای بشر و برای خدا قابل شناخت نیست؛ یعنی آینده به هیچ صورت از قبل، دانستنی نیست و بخشی از آینده، غیر قطعی و باز است، هر چند او به گذشته و حال، علم مطلق دارد اما به آینده چنین علمی ندارد. از نگاه آنان اگر آینده گشوده نباشد و مشیت الهی از تمامی قدم‌ها و اعمال ما آگاه باشد، دیگر اراده آزاد بشر، مفهومی نخواهد داشت (ر.ک: دیباجی و محمدی نیا، ۱۳۹۲، صص ۸۶ و ۸۹).

در دوره کرونا برخی با الهام از قرائت‌ها و الهیات‌های جدید و کلاسیک به‌ویژه الهیات پویشی و الهیات گشوده با تفاوت‌نهادن بین خدای

«معیشت‌اندیش» و خدای «معرفت‌اندیش»^۱ به تبیین نقش خداوند و چگونگی
 فاعلیت و مداخله‌گری او در حوادث جهان پرداختند. اینان معتقدند:

خدا در دین معیشت‌اندیش خلأهای زندگی را پر می‌کرد، پیروان این الهیات هر
 اتفاقی که می‌افتاد می‌گفتند خداوند کرده است. خدا به من یک دختر داده، خدا
 جان من را حفظ کرده، در هر حادثه خاصی پای خداوند را به میان می‌آورند. البته
 در این‌که علت‌العلل خداوند است بحثی و شکی نداریم؛ اما اشکال این برداشت
 این است که خدا را در عرض علل طبیعی می‌نشانند، و این خطاست. آن خدا که
 چنان نقشی را به عهده‌اش نهاده بودند هیچ وقت حاضر نبوده است که ما امروز
 بگوییم غایب است. بلی در خیال عامیان حاضر بود. و آن دینداری‌ای بود که با
 دیگر اجزا زندگی‌شان توازن و تعادل داشت. آن خدا اکنون غایب است. بود و نبود
 این خدا برای شما چه فرقی می‌کند؟ مگر خدا کفش و کلاه است که بگوییم به
 درد من می‌خورد یا نه و به چه درد من خورد؟ سؤال این است که درد شما
 چیست؟ خدا به هر دردی نمی‌خورد. به درد تنهایی‌های روح می‌خورد، به درد
 عاشقی می‌خورد. به درد پرستش و ستایش می‌خورد و همه ما عمیقاً به این
 نقش‌ها احتیاج داریم. خداوند العیاذ بالله کارگر خانه نیست که اگر لوله آب ترکید
 تعمیر بکند. ما چون از خداوند این انتظارات را داریم، بعد می‌گوییم چرا آن
 کارگر نیامد. خوب این اشتباه است، این نوع الهیات، «انسان‌وار»، سست و
 قبیلگی است. خدای این الهیات، تبعیض‌تر و ضعیف‌گش است، ابزار قدرت و
 ثروت به نام دین است.^۲

۱. آقای دکتر سروش در مصاحبه تعبیر به دین می‌کند ولی در خلال سخنانش از واژه
 الهیات هم بهره می‌گیرد.
 ۲. مصاحبه آقای دکتر عبدالکریم سروش با سایت زیتون. ایشان در مصاحبه به استناد
 ←

اینان در مقابل این الهیات، الهیات و تأملات حکیمانه و معرفت‌اندیش را طرح می‌کنند. خدای این الهیات خدای راز و ناز است، معشوق مُطاع و مُحْتَشَم است، ما را به عاشقی دعوت می‌کند تا ما را به مرتبه معشوقی برساند، خدایی که ظالم و تبعیض‌گر نیست، ابزار قدرت و ثروت به نام دین به دست ما نمی‌دهد (فربتر از ایدئولوژی (ایمان و حیرت) / ۱۵۸؛ مصاحبه با سایت زیتون) منتهی این خدا در حاشیه بود. اکنون برای توازن با زندگی مدرن، باید خدایی را که قبلاً در حاشیه بود به متن بیاوریم. آن‌گاه حضورش با غیبتش تفاوت بسیار پیدا خواهد کرد. آن خدای انسان‌واری که فکر می‌کردیم حاضر بوده و اکنون غایب شده است، هیچ‌گاه حاضر نبوده است. و این خدایی که همیشه حاضر، لکن در حاشیه بوده است، اکنون باید در متن حاضر بشود. آن‌گاه ما با خداوند به طور کامل رابطه دیگری پیدا خواهیم کرد و متون دینی را هم طور دیگری خواهیم فهمید» (همان).

نقد و بررسی

۱. نصوص دینی هم تفسیر عشق از خدا و خدای عشق را تأیید می‌کند «... یَجِبُهُمْ وَيَجْبُونَهُ...» (مائده: ۵۴). اما انحصار خدا در آن درست نیست. الهیات اسلامی، مرگب از هر دو است: ترکیبی از جهان بالا و جهان پایین و در آن، هدف، ایصال انسان به کمال مطلوب یعنی «قرب الی الله» است.

یک داستان، علامه طباطبایی را نماینده این نوع خداباوری و او را پرستشگر چنین خدایی می‌داند.

برای طی آن به طور قطع عشق، راهگشاست؛ اما در مسیر عشق، تخلیه (تزکیه)، تخلیه و تجلیه نیز لازم است. باید نیست‌ها، نبایدها و ناشایست‌ها را کنار زد و به هست‌ها، بایدها و شایسته‌ها تعلق پیدا کرد تا از ظلمات به نور رسید «يُخْرِجُوهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره: ۲۵۷). برای این کار، تعهد به ایدئولوژی لازم است تا بتوان با التزام به آن طی طریق کرد و به مسیر عشق پای نهاد و به معشوق رسید. البته ممکن است انسان‌هایی به طور دفعی به آن مرتبه از معرفت و عشق برسند؛ ولی در دین‌پژوهی باید همه مردم را لحاظ کرد. بنابراین بر خلاف دیدگاه برخی که با ایدئولوژیک‌کردن دین مخالف‌اند، (ر.ک: سروش، ۱۳۹۸، ص ۱۷۲) دین برنامه، مسلک، مکتب و آئینی است که به وسیله پیام‌آوری از طرف خدا برای مردم رسیده است. اقتضای برنامه‌داشتن و مکتب‌بودن، وجود «مجموعه و پیکره‌ای از اجزا و بخش‌ها» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، تفسیر سوره برائت، ص ۷۳۷).

۲. انحصار خدا به خدای راز و ناز و عشق و عاشقی با جامعیت دین و شریعت الهی، سازگار نیست. در شریعت، شارع خداست «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ» (شوری: ۱۳). و هدف آن اقامه دین است «... أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» گاهی اقامه دین، صرفاً با حب و عشق، امکان‌پذیر نیست.

۳. خدا، نه در دنیا نه در آخرت، تبعیض‌گر و ضعیف‌کش نیست. در دنیا هر وقت کار، دست بندگان خدا بوده، مظلومان و مستضعفان، ارتقا یافته‌اند.



علی‌رغم تلاش‌ها و حمله‌های به‌ناحق مستکبران و مستعمران، حکومت و اداره جهان در نهایت از آن مستضعفان و اهل تقوا خواهد بود: «وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) و «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸ / قصص: ۸۳). ظلم و تبعیض در هر حال معلول بی‌خدایی یا عدم اعتقاد صحیح به خداست «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷). در آخرت هم مستضعفان فکری اهل نجات و رستگاری خواهند بود «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» (نساء: ۹۸) و محرومان و آسیبدیدگان از حوادث و ناملايمات پيش‌آمده به لطف خداوند از عوض مناسب برخوردار خواهند شد (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۴-۱۲۹، بحث: اعواض) و مظلومان و ستم‌دیدگان نیز به حق خود خواهند رسید (ر.ک: همان ص ۱۲۹-۱۳۰)

۴. انسان، علاوه بر حب و عشق به خداوند نیازهای دیگری چون معنویت، امنیت، آزادی و آرامش در عرصه‌های فردی و اجتماعی دارد. تأمین و تعیین حدود و ثغور آنها در گرو دین و الهیاتی است که هم معرفت‌اندیش باشد و به انسان، معرفت بدهد و هم معیشت‌اندیش باشد و مصالح و مفاسد او را در نظر گرفته باشد.

۵. اینکه پیروان الهیات معیشت‌اندیش، هر اتفاقی را به خدا نسبت می‌دهند و می‌گویند «خداوند کرده است. خدا به من یک دختر داده، خدا جان من را حفظ کرده است» نشان از تنزیل خداوند در عرض علل طبیعی

نیست؛ بلکه همان معنای علة‌العلل بودن خداوند است که مستقیم یا غیر مستقیم در همه امور ریز و درشت عالم، نقش دارد. در قرآن کریم نیز به این نوع نگاه پرداخته شده است: «وَمَا رَمَيْتُ إِذْ رَمَيْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال: ۱۷)، «وَإِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ* وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ» (شعراء: ۸۰-۸۱)، «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴). در احادیثی در باره مراتب تحقق افعال الهی، چنین آمده است: «لَا يَكُونُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا بِسَبْعِ بَقَضَاءٍ وَقَدَرٍ وَإِرَادَةٍ وَمَشِيئَةٍ وَكِتَابٍ وَأَجَلٍ وَإِنْ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۴۹). این احادیث گواه این مدعاست که تحقق هر چیزی در نظام هستی و حیات بشری از جمله افعال و اعمال انسان، ام از طاعات و معاصی به قضا و قدر الهی است؛ چرا که صدور و تحقق هر چیزی در این نظام و حتی افعال انسان در نهایت در گرو فاعلیت خداوند متعال به عنوان علة‌العلل است. بنابراین فاعلیت مطلق الهی و علة‌العلل بودن، موجب ایمان به نقش آفرینی او می‌شود. چنانکه انکار آن، نفی سلطنت مطلقه خداوند را در پی دارد. از آن طرف افعال انسان با قدرت و اراده او به انجام می‌رسد. پس نمی‌توان منکر نقش اثباتی و یا منفی او در تحقق امور شد. پس نقش خدا در مقام قضا و قدر، علم و مشیت و امر به انجام طاعات و نهی از ارتکاب معاصی است و نقش انسان در قدرت و اراده بر انجام آنهاست. البته، قدرت و اراده او نیز در طول قدرت و اراده الهی است.

۲. خدا کجاست؟

نقش و حضور خداوند در جهان و چگونگی دخالت او در حیات بشر و طبیعت، از مباحث دیرین تفکر بشری است. خداباوران نیز خود در این باره، اختلاف نظر دارند. مهم‌ترین آنها نگاه حداقلی به دخالت خدا در عالم دارد و او را به عنوان خالق و آفریننده اولیه می‌شناسد؛ اما نگاه حداکثری، قائل به آفرینش مداوم و عدم انفکاک خالقیت و ربوبیت خداوند است. (ر.ک: فنایی، ۱۳۹۷، ص ۱۷-۱۹) بر اساس متون وحیانی (اعراف: ۵۴) و تحقیق فیلسوفان و حکیمان متأله، نگاه دوم امری مسلّم و پذیرفتنی است^۱ که بر همین اساس پرسش‌های بعدی تحلیل و بررسی می‌شود.

الف) چرا خدا کاری نمی‌کند؟

اگر خداوند خیر و سعادت بشر را می‌خواهد- که طبق شواهد مختلف و متعدد چنین است- پس چرا در مقابل بدبختی‌ها، مشکلات، آسیب‌ها و آفت‌ها در حیات بشری کاری نمی‌کند؟ به طور خاص در این روزگار که بیماری کرونا این اندازه آسیب روحی، روانی، اقتصادی و معیشتی ایجاد کرده است، چرا جلوی آن را نمی‌گیرد؟ این پرسش در حیات بشر، سابقه

۱. إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

۲. برای تبیین تلازم خالقیت و ربوبیت، ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۳-۳۱۲ (درس دهم: خلق و تدبیر).

دیرینه‌ای دارد. دانشمندان متأله مسلمان و غیر مسلمان پاسخ‌های متنوع و متعددی بدان داده‌اند که بیشتر در قالب مسئله شر عرضه شده است. در اینجا به‌اجمال می‌توان گفت که خداوند به عنوان فاعل و متصرف در نظام هستی از سه طریق در جهان هستی و از جمله در حیات بشر، نقش دارد.

(۱) تصرف از راه معجزه‌ها و امدادهای غیبی (پترسون و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۲۸۶/ فنایی، ۱۳۹۷، صص ۱۰۷ و ۱۱۰).

(۲) به تسخیر در آوردن امکانات و قوای مادی و معنوی برای بشر؛ بر این اساس بشر می‌تواند با به‌کارگیری واسطه‌ها و جلب و جذب رضایت الهی و تسخیر امکانات مادی و معنوی و ایجاد زمینه برای اجرای قوانین و سنت‌های الهی، نسبت به سرنوشت خود در نظام هستی نقش‌آفرینی کند.

۱- ابزارهای مادی: خداوند، نظام هستی را به تصرف انسان درآورده و به او این توان را داده است که تمام امکانات هستی را در اختیار خود بگیرد. از جمله این سازوبرگ‌ها، پذیرش یا انتخاب مدیران کارآمد، توانمند، پاک‌دست، باایمان و آگاه به امور است. در این صورت بشر می‌تواند از نعمت‌های زمین و آسمان بهتر و بیشتر بهره‌مند شود. چنانکه حضرت زهرا علیها السلام در عیادت گروهی از بانوان مدینه از ایشان فرمود: اگر علی را به مدیریت اجتماعتان انتخاب می‌کردید، از برکات آسمان و زمین برخوردار می‌شدید! (طبرسی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۲۸۹).

۲- وسائط معنوی، بشر می‌تواند با استفاده از این‌گونه وسائط در

۱. لَأُورِدَهُمْ مِنْهَا لِمِيرًا صَافِيًا رَوِيًّا تَطْفُحُ صَفْتَاهُ وَ لَا يَبْرُئُ جَانِبَاهُ وَ لَأَصْنُرَهُمْ بِطَانٍ.

جنبه‌های مثبت و منفی سرنوشت خود در دنیا و آخرت، تأثیر بگذارد. چنانکه در بعد مثبت می‌توان از عواملی معنوی چون ایمان به خدا (اعراف: ۹۶)^۱، استغفار (یونس: ۹۸)^۲، توبه، شکرگذاری، احسان، صدقه (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷ / خطبه ۱۱۰)، صلح‌رحم، نام برد که براساس نصوص قرآنی و روایی و تجربه مؤمنانه افراد، در حفظ و سلامت مادی و معنوی حیات بشر، نقش‌آفرین و تأثیرگذارند.

و در بعد منفی، می‌توان از اموری که موجب تضعیف و تهدید مسیر حیات بشری می‌شود چون گسترش ربا، رشوه، زنا و بی‌عفتی، کسالت و تنبلی یاد کرد که بر اساس نصوص دینی و تجربیات مؤمنان، در ایجاد و گسترش مشکلات حیات بشری، تأثیرگذار است.

۳) ایجاد سنت‌ها و قانون‌هایی برای رشد و تعالی بشر در عرصه تکوین و تشریع. خداوند به عنوان آفریدگار و صاحب‌اختیار این عالم، همه موجودات را با نظم خاصی آفریده و آنها را با سنت‌ها و قانون‌های منظم و دقیق به وجود آورده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، جلسه ۸، ص ۱۸۴). سنت‌های خداوند گونه‌ای از افعال اویند که اختصاص به یک زمان، مکان یا قوم خاصی ندارند بلکه به عنوان قوانین ثابت جهان هستی در عرصه تکوین و تشریع، وضع شده‌اند. این قوانین همیشه یکسان (همان، ص ۱۴۷ / مصباح،

۱. وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.
 ۲. فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا؛ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا.



۱۳۹۷، ص ۵۰۰) عام و غیر قابل تغییر و دگرگونی (فاطر: ۴۳) است. عالم آفرینش، تابع این گونه قوانین و سنت‌های مشخص است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۱۱۵). از آنجا که این سنت‌ها خود، فعل خدایند لذا با توحید افعالی منافاتی ندارند (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰-۱۵۱، ۱۵۶)

انسان، به عنوان جزئی از مجموعه نظام آفرینش، محکوم سنت‌ها یا قوانین الهی است که در سرتاسر عالم هستی وجود دارند. این سنت‌ها و قوانین الهی، مثل قوانین طبیعی، مانند قانون جاذبه، آمد و رفت ماه و خورشید در شبانه‌روز و قوانینی جاری جوامع انسانی هستند. وقتی که بشر، زمینه این قوانین را به دست خودش فراهم کرد، خدای متعال قانون را تحکیم می‌کند. برای سوزندگی آتش باید زمینه آن را فراهم کرد، آن را روشن کرد و جسم غیرمرطوب را روی آتش گرفت. در این صورت، قانون طبیعی، کار خود را خواهد کرد و آتش درخواهد گرفت. یکی از سنت‌های الهی در جهان، تعیین سرنوشت بشر به دست خود اوست «وَمَنْ يَشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء: ۱۱۵). وقتی انسان زمامش را به شیطان داد، سنت الهی و قانون آفرینش، این است که این زمام در دست شیطان بماند و در آخرت هم گرفتار دوزخ و قهر پروردگار شود. وقتی مردم حجاج بن یوسف ثقفی را قبول کردند، خدا معجزه نمی‌کند و با معجزه او را بر نمی‌دارد و امام سجاد^ع را جای او نمی‌گذارد «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا

۱. «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ» و در جای دیگر «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ».

بَقَوْمْ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱ / خامنه ای ۱۳۹۲، جلسه ۲۷، صص ۵۹۹-۶۰۵)

ب) آیا خداوند به بدبختی و فلاکت مردم راضی است؟

از آنجا که خداوند خیر محض و رحمت مطلق است به هیچ شری که به نظام هستی و به‌ویژه حیات بشری آسیب وارد کند راضی نیست و آن را دوست ندارد. البته بدیهی است هر چیزی که در نظام هستی پیش می‌آید، مضمول علم، مشیت و اراده الهی است «اگر اراده و مشیت او نبود هیچ چیز به وجود نمی‌آمد» (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۸۳)؛ اما هر چیزی هم که به وجود آمد حتماً مضمول رضایت و اراده خداوند نیست. خدا به کفرورزی هیچ یک از بندگان رضایت ندارد «وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ» (زمر: ۷)؛ اما همیشه انسان‌های کافر در زمین بوده و هستند.

فضیل بن یسار می‌گوید از امام صادق ع شنیدم که می‌فرمود: همه چیز به مشیت و اراده الهی تحقق می‌یابد اما همه چیز محبوب و مرضی او نیست (صدوق، ۴۲۳، ص ۳۳۴، حدیث ۱۲) در حدیث دیگری که در سلسله آن چند تن از امامان معصوم ع قرار دارند از امیرالمؤمنین ع نقل شده که فرمود: اعمال و کردار انسان سه گونه است: ۱. واجبات و فرائض که امر، رضا، قضا، قدر، اراده و علم الهی است. ۲. فضایل غیر از امر الهی موارد

۱. «شَاءَ وَ أَرَادَ وَ لَمْ يَجِبْ وَ لَمْ يَرْضَ شَاءَ أَنْ لَا يَكُونَ فِي مُلْكِهِ شَيْءٌ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَ أَرَادَ مِثْلَ ذَلِكَ وَ لَمْ يَجِبْ أَنْ يُقَالَ لَهُ تَالِثٌ ثَلَاثَةٌ وَ لَمْ يَرْضَ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ».

دیگری دارد. ۳. معاصی که نه امر الهی و نه رضای او به انجام آنهاست. اما قضا، قدر، اراده و علم الهی به آنها تعلق گرفته است و چون مرضی خدا نیست، فاعل آن مورد بازخواست و عقاب قرار می‌گیرد (صدوق، ۴۲۳ق، ص ۳۵۹-۳۶۰، حدیث ۹). بنابراین معصیت‌ها و خطاهای انسان، نه به امر خداست و نه خدا به آنها رضایت دارد؛ اما چون درباره آنها حکم دارد پس به قضای الهی است و چون خداوند از آنها نهی کرده است پس به مشیت او هم هست. البته مشیت الهی در معاصی، نهی او از ارتکاب آنهاست؛ چنانکه قدر الهی در معاصی هم تعیین اندازه و حد آنهاست (همان، ص ۳۶۰)؛^۲ اما انجام آنها فعل انسان است که با اراده او تحقق پیدا کرده است.

ج) آیا کرونا زمینه‌ساز الحاد بشر است

برای پاسخ به این پرسش، بیان چند مقدمه لازم است:

۱) کرونا نه اولین بیماری واگیر فراگیر در جهان است و نه آخرین آن. حیات بشر حداقل با بیماری‌هایی مانند طاعون، وبا، سل، ابله، ایدز، ابولا و سارس مواجه بوده است که تاریخ، فراگیری و آمار تلفات و خسارت‌های

۱. الْأَعْمَالُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَحْوَالٍ فَرَائِضٌ وَ فَضَائِلٌ وَ مَعَاصِي وَ أَمَّا الْفَرَائِضُ فَبِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِرِضَى اللَّهِ وَ قَضَاءِ اللَّهِ وَ تَقْدِيرِهِ وَ مَشِيئَتِهِ وَ عِلْمِهِ وَ أَمَّا الْفَضَائِلُ فَلَيْسَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ لَكُنْ بِرِضَى اللَّهِ وَ بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ بِقَدْرِ اللَّهِ وَ بِمَشِيئَتِهِ وَ بِعِلْمِهِ وَ أَمَّا الْمَعَاصِي فَلَيْسَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ (ولابرضی الله) وَ لَكُنْ بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ بِقَدْرِ اللَّهِ وَ بِمَشِيئَتِهِ وَ بِعِلْمِهِ ثُمَّ يَعَاقِبُ عَلَيْهَا.
 ۲. قَضَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْمَعَاصِي حُكْمُهُ فِيهَا وَ مَشِيئَتُهُ فِي الْمَعَاصِي نَهْيُهُ عَنْهَا وَ قَدْرُهُ فِيهَا عِلْمُهُ بِمَقَادِيرِهَا.

آنها را ثابت و ضبط کرده است.^۱

۲) گسترش رسانه‌های اطلاعاتی در سطح بین‌الملل موجب رشد و سرعت اطلاع‌رسانی بشر از آمار دقیق و تلفات روزانه بیماری کروناست که خود در حساس‌شدن جامعه بشری، نسبت به این بیماری تأثیرگذار است.

۳) در پاسخ به این پرسش که «ویروس کرونا (کووید ۱۹) رخدادی طبیعی است یا ساخت دست بشر؟»، باید گفت اگر این ویروس، ریشه در طبیعت (حیوانات) هم داشته باشد، ممکن است منافع سیاسی و اقتصادی برخی از قدرت‌های جهانی موجب دست‌کاری آن شده باشد. این موضوع از موارد اختلاف بین محققان و متخصصان است. جهش، تغییر وضعیت و هوشمندبودن در حمله به نقاط زمینه‌ای بدن انسان از جمله قرائن و شواهد قائلان به نقش بشر در تولید یا دست‌کاری آن است.

۴) این ویروس علی‌رغم آسیب‌های اقتصادی، روانی و اجتماعی، فرصت‌هایی برای بشر فراهم آورد. برخی از آنها عبارت‌اند از: تقویت زیرساخت‌ها و بنیه علمی در امر بهداشت و درمان، آمادگی در مقابله با عملیات‌های احتمالی زیست‌محیطی، ایجاد فضای همدلی و مواسات بین آحاد جامعه، حذف برخی از آداب و رسوم انحرافی و دست و پاگیر در امور اجتماعی مانند افراط در برگزاری مجالس ترحیم و عروسی در بین گروه‌ها و طبقات خاص و چشم‌وهم‌چشمی طبقات متوسط و فرودست جامعه.

۵) طرح شبهات و پرسش‌های الهیاتی در حیات بشر سابقه‌ای دیرینه

۱. در رسانه‌های مجازی نام حدود دوازده بیماری از این گونه قابل رصد و دریافت است.

دارد؛ حتی در حضور انبیای الهی و در عصر نزول اسلام نیز رواج داشت. آنچه که مهم است انجام وظیفه دانشمندان متأله و خداباور در تبیین و تقویت باورهای دینی و تربیت انسان‌های باورمند و ارائه پاسخ‌های متقن و روزآمد است که در طول تاریخ و در حیات مسلمانان نیز با همه فراز و فرودها، پرونده روشن و قابل قبولی دارد. امروزه به‌ویژه با شیوع ناگهانی این ویروس در ایران و اعلام شهر قم به عنوان مبدأ نخستین آن، حضور معاندان، مخالفان و فرصت‌طلبان را در مبارزه با دین و مذهب و تبلیغ ناکارآمدی حکومت اسلامی جمهوری اسلامی در فضای مجازی را پررنگ کرد و شبهات و اشکالاتی به‌ویژه در مباحث توحید، امامت و ولایت در بین اقشار مختلف جامعه منتشر نمود و آسیب‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت را به دنبال داشت؛ هرچند زمینه‌ساز ارائه پاسخ‌های محکم و متقنی در تبیین جنبه‌های کمتر گفته‌شده در همان عرصه‌ها نیز شد. توفیقات نسبی و قابل‌توجه جامعه بشری و از جمله ایران در کنترل و مدیریت شیوع کرونا و ارائه پاسخ‌های مناسب موجب شد تا طرح شبهات و فعالیت معاندان و همچنین پرسش‌ها و دغدغه‌های متدینان نیز به‌مرور کم و کمتر شد.

۶) اگر رشد معنویت و خداگرایی با گسترش این بیماری در میان مردم به‌ویژه در مردم معتقد بیشتر نشده باشد قطعاً کمتر نشده است. در اینجا به گزارش‌هایی مستند از دو منطقه درگیر با ایدئولوژی‌های متفاوت اشاره می‌کنیم که مصاحبه‌شوندگان در آنها به پرسش سوم پاسخ می‌دهند.

به گزارش همشهری آنلاین به نقل از گاردین، یافته‌های نظرسنجی مشترک

مدرسه الهیات دانشگاه شیکاگو و خبرگزاری آسوشیتدپرس نشان می‌دهد گرچه کرونا تا امروز جان بیش از ۸۰ هزار شهروند آمریکایی را گرفته و به میلیون‌ها نفر آسیب‌های جدی اقتصادی و مالی وارد آورده است؛ اما مردم معتقدند شیوع بیماری، پیامی عمیق‌تر از نابودی جان‌ها و اموال دارد. حتی برخی از آنها که خدا را می‌پرسند^۱ اما به دین نظام‌مند باور ندارند، می‌گویند باید از فراگیر شدن ویروس کرونا درس‌هایی بزرگ‌تر گرفت. ۳۱ درصد از آمریکایی‌های باورمند خیلی زیاد و زیاد و حدود ۳۰ درصد تا حدودی، معتقدند این ویروس، نشانه‌ای برای تغییر کردن انسان است. در میان نژادها، ۴۷ درصد سیاهان بدون توجه به زن و مرد بودن، مدرک تحصیلی و میزان درآمد، کووید-۱۹ را نشانه و پیام خدا می‌دانند. این رقم برای لاتین‌ها ۳۷ درصد و برای سفیدپوستان آمریکایی ۲۷ درصد است.

شیوع کرونا باعث شده است تا ۲ درصد مردم آمریکا که پیش‌تر به خدا باور نداشتند، ایمان بیاورند و خدا باور شوند و البته یک درصد هم می‌گویند با فراگیر شدن بیماری، باورش‌شان به وجود خدا، سست شده است. با تعطیل شدن برنامه‌های عبادت جمعی، مردم معتقد به شکل آنلاین یا با حضور در خودرو، عبادت هفتگی خود را در دوران قرنطینه انجام داده‌اند و ۵۷ درصد هم برنامه عبادت خانگی را هرگز ترک نکرده‌اند. ۲۶ درصد گفته‌اند ایمان و عقیده‌شان با شیوع کرونا، قوی‌تر شده است. ۵۵ درصد هم می‌گویند دست‌کم تا حدودی احساس کرده‌اند خداوند آنها را از شر ویروس

۱. در مجموع ۸۲ درصد آمریکایی‌ها به خدا اعتقاد و باور دارند.

در امان می‌دارد.

در گزارش کانال تلگرامی ایسپا از ایران چنین آمده است: ۴۸.۴ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند در این ایام که کرونا شیوع پیدا کرده، اهمیت دین و خداوند برای آنها نسبت به قبل، تغییری نکرده است. ۴۷ درصد مردم گفته‌اند در ایام کرونا، اهمیت دین و خداوند برای آنها نسبت به قبل، بیشتر شده است. فقط ۳.۵ درصد گفته‌اند این اهمیت نسبت به گذشته کمتر شده است. ۱.۱ درصد هم به این سؤال پاسخ ندادند.^۲

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

شیوع ویروس کرونا مانند دیگر حوادث طبیعی، مانند سیل و زلزله‌های ویرانگر، شبهات و پرسش‌های ضد خدا و مبانی فکری و اعتقادی ادیان الهی را در پی داشته و دارد. بدیهی است با توجه به منابع و مبانی قدیم و قویم برگرفته از قرآن و سنت می‌توان آنها را پاسخ گفت؛ چنان‌که در گذشته و امروزه، متکلمان و متفکران بدان توفیق یافته‌اند. بر همین اساس برخلاف

۱. نظرسنجی حاضر به صورت تلفنی و با جامعه آماری افراد بزرگسال (بالای ۱۸ سال) در سطح ملی و حجم نمونه ۱۵۶۳ نفر در تاریخ ۲۴ تا ۲۷ فروردین ۱۳۹۹ انجام شده است.

۲. یافته‌های مقایسه‌ای نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین متغیرهای زمینه‌ای و میزان تغییر اهمیت دین و خدا در دوران کرونا وجود دارد. یعنی اهمیت دین و خدا در این دوره، برای زنان در مقایسه با مردان بیشتر از قبل شده است. افزایش اهمیت دین و خداآوری نسبت به قبل در میان افراد بالای ۵۰ سال، بیشتر از سایر افراد و برای افراد دارای تحصیلات غیر دانشگاهی، بیشتر از افراد دانشگاهی مشاهده می‌شود.

دنیای غرب که در پی این‌گونه حوادث و پیشرفت‌های علمی، به تأسیس الهیات جدیدی همت گماشتند. ایده تأسیس الهیات جدید و طرح «کلام پساکرونا» یا «الهیات پساکرونا»، در حوزه فکری جهان اسلام به‌ویژه در مکتب اهل‌بیت[ؑ]، وجهی ندارد؛ هرچند باید به‌تناسب شباهت و پرسش‌ها با بهره‌گیری از بیان و تبیین روزآمد و در قالبی جدید، پاسخ‌های شایسته ارائه کرد و دانش کلام را از وضعیت موجود در آورد به شرایط مطلوبی رساند.

۱۲۰



منابع

- * قرآن کریم.
۱. الیاده، میرچا؛ دین پژوهی، ج ۲، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و مطالعات علوم انسانی، ۱۳۷۹.
 ۲. ایزوتسو، توشیهیکو؛ خدا و انسان در قرآن؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
 ۳. باریور، ایان؛ علم و دین؛ ترجمه بهاءالدین خرمشاهی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
 ۴. بازرگان، مهدی؛ مجموعه آثار (خدا و آخرت، هدف بعثت انبیاء)؛ ج ۱۷، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.
 ۵. پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی؛ ترجمه احمدنراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۶.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ ج ۶، چ ۲، قم: اسراء، ۱۳۸۵.
 ۷. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیان قرآن، تفسیر سوره برانت؛ تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
 ۸. _____؛ طرح کلی اندیشه اسلامی؛ تهران: مرکز نشر جهادی صهبا، ۱۳۹۲.
 ۹. دیباجی، سیدمحمدعلی و عیسی محمدی‌نیا؛ «نقد و بررسی نسبت

- علم با اختیار انسان در الهیات گشوده بر مینای فلسفه صدرایی؛
جستارهای فلسفه دین؛ س ۸، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۱۰. سبحانی، جعفر؛ محاضرات فی الالهیات؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع)،
۱۳۴۳.
۱۱. سروش عبدالکریم؛ «خدا به هر دردی نمی‌خورد»؛ (مصاحبه)، سایت
زیتون؛ ۲۹ اسفند ۱۳۹۸، در: <https://zeitoons.com>.
۱۲. —؛ فریتر از ایدئولوژی؛ تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۲.
۱۳. صدوق، محمدبن علی؛ التوحید؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی،
۱۴۲۳ق.
۱۴. طبرسی، احمدبن علی؛ احتجاج علی اهل اللجاج؛ مشهد: نشر مرتضی،
۱۴۰۳ق.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن؛ الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد؛ قم:
منشورات مکتبه جامع چهل ستون تهران، ۱۴۰۰ق.
۱۶. فنایی اشکوری، هادی؛ نقش و حضور خدا در جهان؛ قم: مجمع عالی
حکمت اسلامی، ۱۳۹۷.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی؛ خداشناسی در قرآن؛ قم: مؤسسه آموزشی و
پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۸۹.
۱۹. —؛ راه و راهنمایی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام
خمینی (ع)، ۱۳۸۹.

۲۰. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ ج ۱، تهران: انتشارات
صدرا، ۱۳۸۳.

۲۱. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳.

۲۲. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.

۲۳. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۷، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۵.

۲۴. معتزلی، قاضی عبدالجبار؛ المعنى فى ابواب التوحيد والعدل؛ [بی‌تا]، [بی‌جا].